

# محدوده خیال‌پردازی در ادبیات کودکان و نوجوانان آلمان

توضیح: کارین سولات، مدیر مؤسسه بین‌المللی ادبیات کودکان و نوجوانان و تحقیقات وین است. این مرکز، دبیرخانه IBBY در کشور اتریش به شمار می‌رود.

اگر چه تعریف ادبیات علمی-تخیلی کار مشکلی است اما به نظر می‌رسد این نوع ادبی سودمند و مفید است. اگر از سه نفر آشنا بخواهید داستان علمی-تخیلی را تعریف کنند بدون شک هر یک تعریف خاص خود را ارائه خواهد داد. صاحب‌عقربان در تعریف ادبیات علمی-تخیلی با هم اتفاق نظر ندارند و بدین ترتیب تعریف جامعی که نشانگر این ژانر باشد، وجود ندارد. در این مقاله، عبارت «ادبیات علمی-تخیلی» به معنای «چشم‌انداز آینده» به کار خواهد رفت و ما وارد جزئیات تعاریف نمی‌شویم.

این عبارت بیانگر مفهوم ژانر نیست، بلکه مشخص‌کننده یک رویکرد ادبی است. «هانس یورگن کریسمانسکی» این ژانر را ساختاری تاملی می‌داند که آن عناصر واقعیت از متن اصلی خود جدا شدند و بصورت تفکیک شده در آینده‌ی تخیلی تجسم می‌یابند. این مقاله با کتاب‌هایی سروکار دارد که در کشورهای آلمانی زبان مطالعه می‌شوند و حوادث این داستان‌ها، در آینده شکل می‌گیرند.

## آغاز از دهه ۱۹۶۰

در آغاز قرن بیستم، خوش‌بینی نسبت به یافته‌های علمی و دانش فنی، جامعه و ادبیات را تحت تاثیر قرار داد. نمونه‌های این امر «ژول ورن» است که رمان‌هایش پیش از انتشار به صورت کتاب، به شکل باورقی در یکی از نشریات کودک و نوجوان چاپ می‌شد. نمونه دیگر «هانس دومینیک» بهترین نویسنده شناخته شده آلمانی در حوزه داستان‌های علمی-تخیلی پیش از جنگ جهانی دوم است. او داستان‌های کوتاه تخیلی خود را در نشریه سالانه Neus universum منتشر می‌کرد.

در ادبیات بزرگسالان، به سرعت، الگوها تغییر کرد و نتیجه این امر «دنیای شجاع نو» اثر «آلنوس هاکسلی» (۱۹۳۲) و کتاب ۱۹۸۴ اثر «جورج آرول» بود این آثار ادبی تمثیلی، تا امروز ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده‌اند.

در ادبیات کودک و نوجوان، خوش‌بینی به علوم و فن‌آوری تا دهه ۱۹۶۰ همچنان ادامه یافت. این مسئله در آثار فضانورد و روزنامه‌نگار اتریشی «اریک دولزال» آشکار است. او در فاصله سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۵۳ میلادی دوازده رمان منتشر کرد.

این داستان‌ها ماجراجویانه بودند و بدون توجه به ابعاد اجتماعی، گزاشی شدید به تبعیض نژادی داشتند.

این آثار که روزگاری تحسین‌برانگیز بودند، همین‌ک فقط به منظور مطالعه تخصصی داستان‌های علمی-تخیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## دهه ۱۹۷۰

همانند تمام ابعاد ادبیات کودکان و نوجوانان، پس از سال ۱۹۶۸ میلادی، داستان‌های علمی-تخیلی هم‌تغییر یافتند.

○ نوشته: کارین سولات

○ ترجمه و تلخیص: شقایق قندهاری



در دورانی که شعارهای سیاسی چون «بچه‌ها امیدما هستند» و «بچه‌ها دنیا را تغییر خواهند داد» مطرح بود، ادبیاتی که با ترسیم آینده سروکار داشته به شدت اهمیت پیدا کرد. در طول دهه ۱۹۷۰ این ژانر ادبی به فراوانی مورد استفاده قرار گرفت که بخشی از آن به سبب ترجمه آثار انگلیسی و آمریکایی بود علت اصلی این رشد و افزایش علاقه به داستان‌های علمی - تخیلی، پیشرفت‌های فضایی است.

در آخر این دهه، بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب مخصوص ادبیات کودک و نوجوان در این زمینه وجود داشت. حتی داستان‌هایی به صورت مجموعه انتشار یافتند که نمونه این مجموعه‌ها اثر «آپر» و «هان» در کتاب‌های «سفینه فضایی بچه‌ها» است. در این خصوص، بروز تغییرات کیفی، سرچشمه اختلاف نظر در دیدگاه صاحب‌نظران ادبی شد. در این زمان امکان نقد اجتماعی این ژانر ادبی به وجود آمد.

**دهه ۱۹۸۰**

بیشتر محققان پیشرفت و تکمیل این ژانر را در نیمه اول این دهه می‌دانند. برخی از منتقدان هم با بیان مخالفت صریح خود با این ژانر، بر «مسئولیت انسان‌ها تأکید کردند و با آرمان‌گرایی مخالفت ورزیدند. این امر سبب خلق آثار دیگری شد.

سپس در زمینه محتوا تغییراتی حاصل شد و این در داستان‌های کوتاه و رمان انعکاس یافت. در این خصوص، نویسندگان در آثار خود نسبت به تخریب طبیعت، دیوان سالاری، جنگ هسته‌ای و قدرت‌هستهای به شدت انتقاد کردند و آن را مورد حمله قرار دادند. هدف این آثار، هشدار به بی‌فکری موجود در زمینه نابودی جهان بود. نمونه چنین کتاب‌هایی «ابر» نوشته «دای ووک» است. نویسندگان این آثار، مخاطبان خود را با مسایل سیاسی مهم درگیر کردند. با وجود انتقادهای بسیار، دای ووک، جایزه کتاب‌های کودک و نوجوان آلمان را به خود اختصاص داد.

در این دهه چشم‌انداز آینده با توجه به رویکرد سیاسی روز، انعکاس پیدا کرد. نویسندگان این آثار بر قدرت تصمیم‌گیری تک تک افراد و تأثیر آن در روند پیشرفت و توسعه تأکید داشتند.

**دهه ۱۹۹۰**

تأکید و اهمیت فراخوان سیاسی، به تدریج در ادبیات این دهه کم رنگ شد. در این دهه، نه تنها کمیت‌این آثار کاهش یافته بلکه از نظر ساختار ادبی هم افت کرد.

اما ملموس‌ترین تغییر و تحول در دهه ۱۹۹۰ تغییر تم و درون مایه آثار نیست؛ چون تخریب محیط زیست و نیروی هسته‌ای همچنان مورد توجه است اما این بار این مسائل به شکل دیگری عنوان شد. سوال‌های مورد نظر به چگونگی تغییر و تحول جهان طبیعت، محیط‌زیست، محیط زیست انسانی، فن‌آوری و... مربوط نمی‌شود، بلکه سؤال بدین شکل مطرح می‌شود که: «جامعه و در راس آن انسان‌ها چگونه می‌توانند در این دنیا پیشرفت کنند؟» بدین ترتیب، نویسندگان افکار و احساسات شخصیت اصلی داستان خود را مورد توجه قرار دادند؛ به خصوص تأثیری که حکومت استبدادی تحت تأثیر صنعت، اقتصاد و تکنولوژی می‌تواند بر کیفیت زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها داشته باشد.

در چشم‌انداز آینده ادبیات کودک و نوجوان «انسان» قرار دارد و توجه اصلی را به خود جلب کرده است. اوموضوع اصلی داستان و خواهان تعیین هویت خود است.

این مضمون‌ها بخشی از ادبیات کودک و نوجوان عصر ما را تشکیل می‌دهند. این مسئله سوالی را در ذهن ما ایجاد

**جامعه‌شناسان معتقدند که کودکان و نوجوانان، علی‌رغم ترسی که از آینده دارند، از بدبینی نسبت به آینده خسته شده‌اند.**

است که بدان وسیله دلایل تعلیم و تربیتی آن در ژانرهای ادبی، نشان دهنده اطلاعات مقدماتی مخاطبان و فاصله زیاد آنها باوقایع گذشته، پایه و اساس بیش ادبی آینده را نشان می‌دهد. همین امر، نویسندگان را قادر می‌سازد داستان‌های خود را به شکل دیگری شروع کنند. بدین ترتیب در این دوره، مسائل دیگری نیز مورد توجه و اهمیت قرار می‌گیرد.

**نتیجه بحث**

اخیرا انتشار داستان‌های علمی - تخیلی برای کودکان و نوجوانان، به طور چشمگیری کاهش یافته‌است چرا؟ در اینجا براساس چهار فرضیه می‌کوشیم علت این افت و کاهش را توضیح دهیم:

(۱) محدودیت‌های تخیلات ادبی: آثار مهم ادبیات علمی - تخیلی کودک و نوجوان، هرگز تصویری مثبت از آینده خلق نکرده‌است. در این آثار، وحشت و صحنه‌های ترسناک حضوری عموماً و جدی دارند.

جامعه‌شناسان معتقدند که کودکان و نوجوانان، علی‌رغم ترسی که از آینده دارند از بدبینی خسته شده‌اند.

(۲) محدودیت‌های گرایش به آموزش در کودکان و نوجوانان: تصاویر ترسیم شده از آینده به طور خاص، ناگهانی و منشاء آموزشی دارد. در حقیقت، هشدارهای مربوط به پیشرفت‌های غیر انسانی فن‌آوری و رسانه‌ها به گوش کودکان و نوجوانان نمی‌رسد. از نظر آنها این تصویر وحشتناک کهنه و منسوخ شده است.

(۳) محدودیت‌های بازار: در داستان‌های علمی - تخیلی مضمون‌های مربوط به روز همیشه جناب بوده‌است؛ چه این مضمون‌ها مربوط به موفقیت‌های علمی‌جاری و چه مربوط به زمینه اجتماعی - سیاسی بوده‌باشد. اخیرا چشم‌اندازهای مربوط به آینده اهمیت خود را در درون مایه آثار از دست داده‌است. در واقع، بازار کتاب با داستان‌های مربوط به انهدام محیط زیست و خطر نیروی هسته‌ای اشباع شده است. موضوعات مطرح دیگری همچون فن‌آوری ژنتیک، در بازار کتاب با محدودیت رو به رو هستند و نمی‌توان در این خصوص کتاب‌های مشابه و متعددی چاپ کرد.

در سال‌های اخیر، حوزه جدیدی در ادبیات علمی - تخیلی راه خود را باز کرده است: حضور رمان‌های به اصطلاح (disc world) که تفسیری از حوادث واقعی و رایج‌های هستند. معلوم نیست که این داستان‌ها به چه شکل به آینده می‌نگرند. به هر حال، ممکن است در آینده نزدیک این روش با بینایش ژانر ادبی نوینی شکوفا شود.

(۴) محدودیت‌های روش‌های صوری و مرسوم: مدت‌هاست که آثار ادبیات علمی - تخیلی به دلیل خلأ موجود میان فرم و محتوا، مورد انتقال هستند.

در مجموع، حفظ ادبیات علمی - تخیلی کودکان و نوجوانان، به خلاقیت نویسندگان در پرداخت تازه و خلاق مضامین این ژانر وابسته است.

سن قصد ندارم آینده این چشم‌انداز را پیش‌بینی کنم. اجازه بنهید با جمله معروف ولکان مقاله را خاتمه بدهم: «در همه مراحل زندگی موفق باشیدا»

**منبع:**

**در دهه ۱۹۹۰ میلادی، تغییرات مهمی در داستان‌های علمی - تخیلی وجود ندارد، ولی ویژگی عمومی این نوع ادبی، این است که زمان وقوع رخدادها در آینده است.**

**خوشبینی اولیه نسبت به پیشرفت علمی و تکنولوژیک، جای خود را به نگرانی فزاینده در مورد عوارض منفی این پدیده داد و نویسندگان داستان علمی - تخیلی کودک و نوجوان آلمانی زبان، به خوبی این نگرانی را بازتاب دادند.**

می‌کند: چرا داستان‌های علمی - تخیلی، در زمان آینده به این مضمونها می‌پردازند و نه در زمان حال؟ یکی از نویسندگان آلمانی، به نام «ایوا پروچازکوا» در این خصوص می‌گوید: «همی‌خواستم مخاطبان جوان و نوجوان آثار من بگویند «این داستان حقیقت‌نارند!» می‌خواستم مسائل را بدون مقایسه صریح باوقایع آغراق شده مطرح کنم.»

برخی از نویسندگان، آشکارا به بحث‌های جامعه‌شناختی سال‌های اخیر پاسخ داده‌اند. مسائلی که هم‌اینک با مفهوم «جامعه خطرناک» و یا «نوران کودکی در معرض خطر» شناخته شده‌اند در زمینه و متن این ادبیات مشاهده می‌شوند. «بیک» در کتاب «خلاقیت‌سیاسی» گفته است:

«در آن سوی نوگرایی صنعتی، جامعه‌های خطرناک‌ظهور می‌کند این مفهوم، مرحله‌ای از پیشرفت جامعه‌جدید را نشان می‌دهد که در آن خطرهای اجتماعی، سیاسی و بوم شناختی ایجاد شده ناشی از فن‌آوری، موجب ناامنی جامعه صنعتی می‌شود.» به طور مسلماً این مسئله یکی از پایه‌های مرکزی انتقاد چشم‌انداز آینده محسوب می‌شود.

بزرگترین خطر مربوط به مسائلی است که از کنترل ما خارج شده‌اند: حوادث مربوط به نیروی هسته‌ای، دستکاری ژنتیک، آلودگی زیست محیطی و فقر. برخلاف «بیک» که شرایط موجود را «مرحله‌ای از پیشرفت» قلمداد می‌کند و حتی نگرشی مثبت بدان دارد، در بیشتر آثار، نتیجه این پیشرفت اسف بار و خطرناک تلقی شده است.

در دهه ۱۹۹۰ هشدار به خوانندگان در مورد این خطرها نیز بخشی از دل مشغولی نویسندگان بود. آنچه تغییر یافته، شیوه‌ای

